

اصلاحات فرقه دموکرات آذربایجان و اسناد بازیافته اتحاد شوروی

حمید احمدی*

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

رویا یوسفی

کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۰۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۹/۰۸)

چکیده

برآمدن ناگهانی جمهوری‌های خودمختار در آذربایجان و کردستان ایران در پایان جنگ جهانی دوم یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی ایران معاصر بوده است. این نوشتار ریشه‌های شکل‌گیری و اصلاحات مورد نظر فرقه دموکرات آذربایجان را بررسی می‌کند. درباره اصلاحات فرقه، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. درحالی که طرفداران فرقه آن را اقدامی مستقل و مثبت در نظر می‌گیرند، مخالفان بر فرمایشی بودن آن تأکید دارند. هدف این نوشتار، بررسی ماهیت این اصلاحات و آشکارکردن مستقل یا وابسته بودن آن‌ها است. گرچه درباره نقش اتحاد شوروی در روی کارآمدن فرقه دموکرات، مطالعاتی صورت گرفته است؛ اما به جایگاه اصلاحات مورد ادعای فرقه در سیاست‌های اتحاد شوروی و ارتباط آن با برنامه‌های این کشور اشاره‌ای نشده است. تمرکز اصلی این نوشتار بر ارتباط میان اصلاحات و برنامه‌های اتحاد شوروی با توجه به اسناد انتشاریافته پس از فروپاشی اتحاد شوروی، به‌ویژه فرمان‌های سه‌گانه استالین در سال ۱۳۲۴ است. تطابق برنامه اصلاحات فرقه و اسناد تازه منتشر شده، نشان می‌دهد که اصلاحات مورد نظر، بخشی از راهبرد اتحاد شوروی برای مشروعیت‌بخشی به اقدام‌های فرقه و تقویت حضور خود در ایران بوده است.

کلیدواژه‌ها

اتحاد شوروی، ارتش سرخ، اصلاحات، دولت مرکزی، فرقه دموکرات آذربایجان، فرمان‌های سه‌گانه استالین.

مقدمه

در تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی ایران به دوره‌هایی برمی‌خوریم که اهمیت ویژه‌ای دارند و در سرنوشت مردم و سرنوشت سیاسی کشور نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. بی‌شک یکی از این دوره‌ها، سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۰ است. در این سال‌ها ایران شاهد رویدادهای بسیار مهمی مانند درگیر شدن کشور در جنگ جهانی دوم و اشغال آن به وسیله متفقین بوده است. یکی از نتایج این اشغال به وسیله نیروهای اتحاد شوروی و انگلیس در خرداد ۱۳۲۰، برکناری رضاشاه به بهانه طرفداری از آلمان بود. در شهریور همان سال، ارتش سرخ به شمال ایران وارد شد و هم‌زمان نیروهای انگلیسی برای محافظت از منابع نفتی خود به جنوب ایران حمله کردند. از پیامدهای حضور ارتش سرخ در شمال غرب ایران، تشکیل جریانی به نام فرقه دموکرات آذربایجان بود که برای تأمین منافع اتحاد شوروی در ایران تأسیس شد و رویدادهای بسیار مهمی را از ۲۱ آذر ۱۳۲۴ تا ۲۱ آذر ۱۳۲۵ در این منطقه رقم زد.

درباره حکومت محلی فرقه دموکرات آذربایجان کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری نوشته شده است (Atabaki, 1993, Abrahamian, 1970: 291-316, Nissman, 1987: 19-49, Asgharzadeh, 2007: 93-110)، اما آنچه تاکنون مورد مطالعه قرار نگرفته است و البته اهمیت ویژه‌ای نیز دارد، موضوع اصلاحات مورد ادعای فرقه در منطقه آذربایجان در طول حکومت یک ساله آن بوده است. در این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش هستیم که اصلاحات انجام شده به وسیله فرقه، خودجوش بوده و یا با سیاست خارجی اتحاد شوروی در ایران ارتباط داشته است؟ برای پاسخ، این فرضیه را مطرح می‌کنیم، «با بررسی دقیق فرمان‌های سه‌گانه استالین و تطبیق آن‌ها با برنامه‌های اصلاحی فرقه، در می‌یابیم که اصلاحات مورد نظر در راستای برنامه‌های اتحاد شوروی در ایران و باهدف بالابردن مشروعیت داخلی فرقه صورت گرفته است».

اقدام‌ها و برنامه اصلاحات فرقه

فرقه دموکرات آذربایجان پس از اعلام مفاد مرام‌نامه خود، شروع به فعالیت کرد و در تلاش بود تا با عمل به مفاد مرام‌نامه (بیانی، ۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۵۱) روز به روز بر میزان طرفداران خود بیفزاید. پیشه‌وری و یاران او در عمر یک ساله حکومت محلی خود به بخشی از آنچه در مرام‌نامه آمده بود عمل کردند؛ اما نتیجه این فعالیت‌ها و اصلاحات چیزی که انتظار می‌رفت، نبود.

فرقه و اصلاحات ارضی در آذربایجان

فرقه با هدف عمل به ماده ۷ مرام‌نامه منتشر شده در ۱۲ شهریور و جلب حمایت دهقانان و اقشار مختلف مردم در روستاهای آذربایجان، سیاست‌هایی را برای انجام اصلاحات ارضی و واگذاری زمین به دهقانان در پیش گرفت. فرقه در برنامه خود موارد زیر را پیش‌بینی کرد:

ماده ۱۱- با هدف رفع اختلاف‌های موجود بین دهقانان و ارباب، لایحه جدی قانونی با مراعات رضایت دو طرف تنظیم و به این وسیله مسئله دهقان و ارباب حل و تسویه شود؛

ماده ۱۲- برای جلوگیری از بیکاری روزافزون در دهات و شهرها، زمین‌های خالصه به فوریت بین زارعان تقسیم شود. همچنین زمین‌های متعلق به کسانی که آذربایجان را ترک کرده و در خارج از آذربایجان علیه مختاریت ملی ما دست به تبلیغات زده‌اند، ضبط و در اختیار دهقانان قرار داده شود تا بدین وسیله دهقانان بی‌زمین سروسامان یابند (روزنامه آذربایجان، ۱۳۲۴: ۱).

در مرحله نخست اصلاحات ارضی، ۲۶۰ هکتار زمین میان دهقانان تقسیم شد و بدین جهت گروهی از دهقانان به فرقه دموکرات جذب شدند؛ اما در این میان، زمین‌های اربابانی که با فرقه مخالفتی نداشتند از تعرض در امان ماند. در بعضی شهرهای آذربایجان مانند سراب، بزرگ مالکانی چون فرمانفرمایان که همکاری مهمی با فرقه و شخص پیشه‌وری داشتند بدون دغدغه از مصادره املاک و تقسیم آن میان دهقانان در تهران به سر می‌بردند. خان‌های روستاهای قلعه‌جوق و علایی‌ها نیز که مخالفتی با فرقه نداشتند از تعرض در امان بودند. در مقابل، به اربابان مخالف با فرقه حمله و آن‌ها کشته می‌شدند و زمین‌هایشان بین دهقانان تقسیم می‌شد. نمونه آشکار آن رویدادهای خونین روستاهای آغمیون و آلان براغوش بود. از سوی دیگر، بخش زیادی از زمین‌ها بین دهقانان مهاجر (از اتحاد شوروی) که تعلق بیشتری با فرقه داشتند و پیشتر به عضویت آن درآمده و سلاح به‌دست جزو فداییان به‌شمار می‌رفتند، تقسیم شد. بر این اساس، «وقتی حکومت پیشه‌وری تصمیم گرفت که املاک را بین رعایا تقسیم کند، بلافاصله به‌نام آنکه هر کس شناسنامه نگرفته فوراً بگیرد، مأمورانی به روستاهای مورد نظر فرستاد و یک عده مهاجر را که پیشتر سکنی داده بودند، شناسنامه داده و املاک را بیشتر بین آن‌ها تقسیم کردند (صدری و نیکبخت، ۱۳۸۶: ۱۵۵). در بسیاری موارد، دهقانان از دریافت زمین با این روش خودداری کردند؛ زیرا حکومت فرقه بیشتر زمین‌های اربابان بزرگی که با آن مشکل داشتند را واگذار کرده بود و کشاورزان، آن را بر اساس اعتقادات خود حرام می‌دانستند و با فرقه دچار تعارض شدند (پیمانی، ۱۳۶۰: ۲۴۷).

اقدام‌های پولی و مالی

در یک سال حکومت فرقه در آذربایجان، اقدامی که بتوان آن را اصلاحات مالی یاد کرد انجام نشد. پس از تشکیل فرقه دموکرات، رابطه منطقه آذربایجان با مرکز تقریباً به شکل کامل قطع شد و تجار آذربایجانی برای تبادل کالا با مرکز و سایر نقاط کشور با مشکلات جدی روبه‌رو شدند. فرقه برای جبران کسری بودجه و افزایش میزان نقدینگی در دست مردم در ماه‌های پایانی سال ۱۳۲۴ اسکناس‌هایی منتشر کرد که در باکو به سفارش فرقه و بدون توجه به پشتوانه مالی آن چاپ شده بود. این اسکناس‌ها آن‌گونه که فرقه انتظار داشت در بین مردم استقبال نشد. به گفته عنایت‌الله رضا یکی از افسران نیروی هوایی فرقه، مردم آذربایجان مجبور بودند تا در دادوستد خود از این اسکناس‌ها استفاده کنند؛ اما آن‌ها در بیشتر موارد از پول‌های دولت مرکزی در بازار استفاده می‌کردند و در صورت کمبود اسکناس‌های رسمی دولت ایران، باقی‌مانده پول را از اسکناس‌های محلی می‌دادند. هیچ‌گاه از این اسکناس‌ها در بین مردم استقبال نشد و بعد از فروپاشی فرقه هم دیگر از آن‌ها استفاده نشد (آذرنگ، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

اقدام‌های اقتصادی و صنعتی

با توجه به شرایط به‌وجودآمده، تبریز و سایر شهرهای زیر فرمان فرقه دموکرات، ظرفیتی برای انجام اصلاحات تجاری و بازرگانی نداشتند و نتیجه تمام تلاش فرقه در این زمینه، تأسیس یک کارخانه محصولات نساجی بود. کارخانه ظفر در تابستان سال ۱۳۲۵ به‌وسیله دموکرات‌ها تأسیس شد و در ۲۴ بهمن ۱۳۲۵ به بانک صنعتی تحویل داده شد. محصولات این کارخانه انواع گشپاف، جوراب و منسوجات نخی، کرکی و ابریشمی بود که در زمان فرقه رونق زیادی نداشت و پس از سقوط آن‌ها، دولت مرکزی اداره آن را بر عهده گرفت (اخگر، ۱۳۲۷: ۱۰۱-۱۰۰).

اقدام‌های فرقه در زمینه کار و تأسیس کارخانه و تولیدی نه تنها موفق نبود، بلکه به بسیاری از کارخانه‌هایی که قبل از ظهور فرقه در تبریز کار می‌کردند نیز خسارت‌های زیادی وارد کرد. برای نمونه، می‌توان به کارخانه چرم‌سازی خسروی اشاره کرد که از سال ۱۳۱۰ تأسیس شد و تا قبل از حضور اشغالگران در آذربایجان فعال و به‌کار مشغول بود؛ اما در زمان ظهور فرقه و دوران حکومت محلی خسارت‌های جبران‌ناپذیری به آن وارد شد و به‌علت بی‌رونقی بازار، کارخانه تنها روزی هشت ساعت کار می‌کرد و از نظر بهداشتی و حقوق و دستمزد هم به کارگران سخت می‌گذشت. دیگر کارخانه‌هایی که در زمان حکومت فرقه به نابودی کشیده شد، کارخانه فرش‌بافی جوان بود. کارخانه جوان به‌دست حاج ابوالقاسم جوان در سال ۱۳۰۱ تأسیس شد و حدود ۶۵۰ نفر زن و مرد در آن کار می‌کردند. ایرج اخگر در کتاب «مرگ هست

ولی بازگشت نیست» می نویسد: «تنها کارخانه‌ای که در تشکیلات حزب توده شرکت نکرد و کارگران آن کارت عضویت نگرفتند، کارخانه قالی بافی جوان بود. همان روزی که مرحوم حاج احتشام در ليقوان به قتل رسید، یکی از قهرمانان فرقه با ۸۵ نفر از هواداران خود به کارخانه آمد و خواست که کارگران را احضار کنند تا برای آن‌ها سخنرانی کند. چون آقای جوان موافقت نکرد، ایشان را با اسلحه تهدید کردند. وقتی نتیجه نگرفتند دستور دادند تا او را پابرهنه و کشان‌کشان بیرون کشیده و در اتومبیل قرار دادند و پیش بی‌ریا و دکتر جودت بردند. بی‌ریا دستور داد تا او را آنقدر بزنند تا ادب شود. بعد از مضروب‌ساختن، او را زندانی کردند. متجاسرین حتی مانع آن شدند که فرزندان جوان به مدرسه بروند. کارخانه تعطیل شد و متجاسرین تمام اموال منقول و غیرمنقول او را مصادره و مغازه وی را اشغال کردند. سپس خانواده او به تهران فرستادند و آن‌ها در شرایط بسیار بدی در خیابان ری در تهران زندگی گذراندند. در شرایطی که حتی چراغی برای روشن کردن و غذایی برای خوردن نداشتند. این وضع ادامه یافت تا بعد از شکست فرقه، جوان به آذربایجان برگشت و از طرف محمدرضا شاه به اخذ نشان درجه ۲ همایون و نشان آذربایجان نائل شد» (اخگر، ۱۳۲۷: ۱۱۳-۱۰۹).

رسمیت زبان ترکی و ممنوعیت زبان فارسی

در مورد کارهای فرهنگی فرقه دموکرات آذربایجان باید به مسائلی همچون رسمی کردن زبان ترکی در منطقه و تلاش برای تأسیس مدرسه و دانشگاه و همچنین تأسیس مؤسسات فرهنگی تبلیغاتی اشاره کرد. زبان و ادبیات ترکی از مسائل مهم برنامه فرقه دموکرات بود. فرقه برای تحقق سیاست رسمی کردن زبان ترکی آذری پس از تشکیل حکومت محلی در ۲۱ آذر تلاش گسترده‌ای را آغاز کرد. اوج این تلاش را می‌توان در ۱۶ دی ۱۳۲۴ دید. در این روز حکومت فرقه زبان ترکی را به‌عنوان زبان رسمی اعلام و در قراری که به همین منظور صادر کرد، اعلام کرد که از این پس در کلیه اداره‌های دولتی، مدرسه‌ها، دادگاه‌ها، مؤسسه‌ها و مراکز تجاری باید تنها از زبان ترکی آذری استفاده شود (حسنلی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). همچنین بر اساس حکم حکومت فرقه، تمام دادگاه‌ها و اداره‌های دولتی موظف شدند که فعالیت‌های رسمی و غیررسمی خود را تنها به زبان ترکی انجام دهند. در ۱۹ آذر ۱۳۲۴ نیز به دستور پیشه‌وری همه اسناد، نوشته‌های اداری و اسامی فروشگاه‌ها و مطب پزشکان به زبان ترکی آذربایجانی تبدیل شد (صدری و نیکبخت، ۱۳۸۶: ۱۵۶).

با توزیع کتاب‌های درسی به زبان ترکی، کتاب‌های پیشین دانش آموزان که به زبان فارسی بود از بین آن‌ها جمع‌آوری و در میدان مرکزی شهر به آتش کشیده شد. جشن کتاب‌سوزان فرقه دموکرات، یکی از اقدام‌های آن در راستای گسست فرهنگی مردم آذربایجان از ملت ایران

انجام شد. شایان توجه اینکه، فرقه تنها به سوزاندن کتاب‌های درسی اکتفا نکرد و در پی انهدام آثار مکتوب فارسی و ایرانی و کتاب‌های چاپی و خطی نیز بوده است (پورنظمی سیسی، ۱۳۸۲: ۱۸۹).

برپایی دانشگاه تبریز

یکی دیگر از سیاست‌های فرقه دموکرات، تأسیس دانشگاه تبریز بود. در سخنرانی‌های پیشه‌وری بر تأسیس دارالفنون و اهمیت آن تأکید زیادی شده است. تصمیم تأسیس دانشگاه دولتی آذربایجان در ۱۹ دی ۱۳۲۴ گرفته شد و وظیفه آن به‌عهده وزارت فرهنگ گذاشته شد. مقرر شد که این وزارت‌خانه در طول ۱۰ روز ساختمان مورد نیاز دارالفنون و گروه استادان و وسایل علمی به زبان آذری را انتخاب کند و به هیئت دولت اطلاع دهد (حسنلی، ۱۳۸۳: ۱۱۵-۱۱۴). دانشگاه تبریز که باید از سال تحصیلی ۱۳۲۶-۱۳۲۵ آغاز به کار می‌کرد، ابتدا دانشکده پزشکی، کشاورزی، تربیت مدرس را شامل می‌شد و سپس دانشکده‌های تاریخ، زبان، فلسفه، حقوق، فیزیک، ریاضیات و علوم طبیعی را در بر می‌گرفت. جهانشاه‌لو، معاون نخست‌وزیر به‌عنوان رئیس دانشگاه و دیبائیان به‌سمت معاون برگزیده شدند (حسنلی، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

چهارشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۲۵ دانشگاه افتتاح شد و در ساعت چهار و نیم پیشه‌وری، صدر فرقه دموکرات و سپس بی‌ریا سخنرانی کردند (روزنامه آذربایجان، ۱۳۲۵: ۷) در اعلام‌های مکرر، سرانجام در ۲۰ مهر ۱۳۲۵ دانشگاه با عنوان (آذربایجان ملی اونیورسیتی سی) در مراسمی شروع به کار کرد. این دانشگاه برگرفته از دانشگاه دولتی باکو بود و از کتاب‌های آن‌ها استفاده می‌شد (نیکبخت، ۱۳۸۱: ۴۸). البته باید گفت براساس آنچه در اسناد آمده، فرقه در سامان‌دادن این ایده موفق نبود. در مورد شرایط تأسیس دانشگاه، محمدمین ادیب طوسی می‌گوید: «در دوره یک‌ساله قیام متجاسرین در آذربایجان، دانشگاهی در تبریز تأسیس شد که لوازم و وسایل کار نداشت. این دانشگاه به حدی بی‌اساس بود که با رفتن متجاسرین بنیان آن از هم پاشید» (گاهنامه ۵۰ سال شاهنشاهی پهلوی، ۱۳۵۵/۲۵۳۵: ۵۱۵). به همین علت، چند روز پس از سقوط فرقه در دی ۱۳۲۵، مصطفی حبیبی استاد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و خان‌بابا بیانی، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از سوی وزارت فرهنگ مأمور شدند تا مطالعاتی برای تأسیس دانشگاه تبریز انجام دهند. سرانجام پس از مطالعات انجام شده در تیر ۱۳۲۸ اولین کلنگ بنای دانشگاه تبریز به‌وسیله زنگنه، وزیر فرهنگ وقت به زمین زده شد (نیکبخت، ۱۳۸۱: ۵).

راه‌اندازی رادیو تبریز

رادیو تبریز در ۱۸ فروردین ۱۳۲۵ با عنوان صدای حکومت ملی آذربایجان (آذربایجان ملی حکومتین سی) شروع به کار کرد. این رادیو، همه روزه برای آذربایجان و کردستان برنامه پخش می‌کرد. فرقه از این رادیو برای تبلیغات حزبی و جنگ تبلیغاتی علیه دولت مرکزی استفاده می‌کرد. از آن جایی که بیشتر مردم بی‌سواد بودند و نیز به رسمی شدن زبان ترکی در مدرسه‌ها و اداره‌ها و چاپ روزنامه‌های ترک‌زبان فرقه تمایلی نشان نمی‌دادند، شاید تأسیس رادیو ترکی برای نفوذ به افکار عمومی مردم بهترین کار از سوی فرقه بود. همچنین فرقه تلاش می‌کرد تا با انجام اقدام‌هایی مانند سانسور مطبوعات و جلوگیری از ورود و پخش روزنامه‌ها و برنامه‌های رادیویی فارسی‌زبان از آگاهی مردم آذربایجان نسبت به اوضاع داخلی و خارجی منطقه جلوگیری کند. بنابراین، پخش برنامه از رادیو تبریز که زیر نظر فرقه برنامه پخش می‌کرد، می‌توانست حکومت محلی را نسبت به سامان‌دهی افکار عمومی برای خواسته‌های خود یاری کند. نکته شایان توجه در این بین، تمایل نداشتن مردم آذربایجان به روزنامه‌ها و برنامه‌های رادیویی فرقه است. آیت‌الله مجتهدی در خاطرات خود آورده است: «مردم به رسانه‌های گروهی فرقهٔ دموکرات یا نشریات گروه‌های فرستاده‌شده از باکو مانند نشریهٔ وطن یولوندا توجهی نمی‌کردند؛ زیرا این‌گونه نشریات زیر سلطهٔ مقام‌های ارتش سرخ اداره می‌شد و در آن‌ها دخالت می‌کردند» (مجتهدی، ۱۳۸۱: ۱۲۶). بی‌توجهی مردم به تبلیغات رادیویی فرقهٔ دموکرات به حدی بود که به دستور پیشه‌وری در خیابان‌های ارومیه بلندگو نصب کردند تا بدین وسیله مردم به اجبار از تبلیغات رادیوی فرقه آگاهی پیدا کنند (مجتهدی، ۱۳۸۱: ۲۸۰).

به گفتهٔ آیت‌الله مجتهدی، مردم آذربایجان به رسانه‌های خبری فارسی‌زبان بیشتر تمایل نشان می‌دادند. وی در خاطرات خود می‌نویسد: «در یک مغازه که از سه چهار سال به این طرف در خیابان پهلوی باز شده بود و جراید و مجلات انگلیسی و مطبوعات مربوط به تبلیغات بر له انگلیس‌ها و متفقین می‌فروخت، یک رادیو گذاشته شده و اخبار فارسی لندن و تهران را اول شب پخش می‌کند. در وقت معین، مردم زیادی در جلوی اجتماع کرده و به گفتار رادیو گوش می‌دهند. از قرار معلوم اولیای امور خوششان نمی‌آید. روز گذشته (۱۸ اسفند ۱۳۲۴) برای اینکه جمعیت را متفرق کنند چند درشکه را از وسط جمعیت رانده‌اند. جمعیت متقاعد نشده و متفرق نشدند. بعد از آن اشخاص مجهول که در این قضیه مأموریت ویژه داشتند، دادوقال راه انداختند و شیشه‌های مغازه را شکستند. صاحب مغازه در این وقت در مغازه را بسته و مردم متفرق شدند (مجتهدی، ۱۳۸۱: ۱۶۱). با توجه به وابسته بودن کردستان در این رویدادها به حکومت فرقه، رادیوی مستقلی برای منطقه

کردنشین در نظر گرفته نشد و برنامه‌های تبریز در شهر مهاباد نیز پخش می‌شد (عمیدی نوری، ۱۳۲۵: ۶۳).

اقدام‌های عمرانی و لوله‌کشی آب

در اسناد پژوهشگرانی که درباره فرقه دموکرات و سیاست‌های آن‌ها مطالعاتی داشته‌اند، انجام برخی اصلاحات در زمینه عمرانی از سوی فرقه آورده شده است. برای نمونه، در خاطرات ایرج اخگر آمده است: «لوله‌کشی آب مشروب خوی از محل عواید شهرداری در سال ۱۳۲۴ شروع شده، تا چهارراه شهر (میدان شهرداری) به پایان رسیده و اهالی از آب آن استفاده می‌کنند» (اخگر، ۱۳۲۷: ۱۵۴). در یکی از اسناد مجلس ملی دموکرات‌ها آمده است: حکومت ملی هنگامی که اداره شهرداری را به دست گرفت، پولی در صندوق وجود نداشت. ولی انجمن شهر که دوباره انتخاب شده بود در زمان کوتاهی با کمک و همکاری اهالی امکان آسفالت خیابان‌ها و لوله‌کشی شهر را به دست آورد.

فروپاشی اتحاد شوروی و افشای فرمان‌های استالین

همانگونه که پیشتر بیان شد، از دید طرفداران فرقه دموکرات، تدوین و اجرای مفاد مرام‌نامه، خدمتی برای خواسته‌ها و پیشرفت مردم منطقه آذربایجان از سوی مسئولان فرقه بوده است. اما با انتشار فرمان‌های استالین (Yegorova, 1996, Ostermann, 2001: 309-314) و تطبیق آن با مرام‌نامه فرقه دموکرات، مسئله خودجوش بودن این اصلاحات از درون فرقه در ابهام قرار می‌گیرد. باهدف مطالعه بیشتر در مورد اصلاحات و مطابقت مفاد مرام‌نامه فرقه دموکرات با سه فرمان استالین، باید این اسناد با دقت بیشتری بررسی شود.

مقام‌های اتحاد شوروی از اواخر جنگ جهانی دوم دست به کار شدند تا بتوانند با ایجاد جنبش جدایی طلب در آذربایجان ایران مقدماتی را فراهم کنند تا به هدف دیرینه خود یعنی تجزیه ایران و پیوند آذربایجان ایران به آذربایجان اتحاد شوروی و دستیابی به نفت شمال برسند (Ahmadi, 2013: 91). اتحاد شوروی می‌دانست که با پایان جنگ ناچار است که در مدت شش ماه خاک ایران را تخلیه کند، پس باید از زمان باقی مانده بیشترین استفاده را بکند. با این هدف پس از اتمام جنگ و فرارسیدن زمان خروج نیروهای متفقین از ایران و درخواست ایران از دولت متفق برای تخلیه، دولت اتحاد شوروی به این درخواست پاسخی نداد (کولایی، ۱۳۷۶: ۱۳۴-۱۲۵). مدتی بعد، استالین در ۳۱ خرداد ۱۳۲۴ یعنی تقریباً سه ماه قبل از تأسیس فرقه دموکرات، اولین فرمان از فرمان‌های سه‌گانه خود را صادر کرد.

فرمان اول خطاب به کمیته دفاع دولتی اتحاد شوروی در مورد اقدام‌های اکتشافی زمین‌شناسی برای نفت در شمال ایران است. این فرمان نواحی شمالی از جمله بابلسر، بندر

پهلوی، آمل، جلفا، زنجان، تبریز، اردبیل، مازندران و رشت و به صورت کلی کرانه‌های دریای خزر و مرزهای اتحاد شوروی را در بر گرفته است. استالین براساس این سند رفیق نیولنف را موظف می‌کند که فضای اقامتی و اداری لازم را در قزوین و مناطق عملیاتی در اختیار واحد هیدرولوژیک قرار دهد. در این فرمان حتی تعداد تراکتورها، خودروهای سبک و سنگین، تانکرها و ... برای اجرای عملیات مشخص شده است.

فرمان دوم در ۱۵ تیر ۱۳۲۴ به صورت محرمانه از دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به میرجعفر باقراف، صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان شوروی رسید. قرار بود تا بنابر بند ۱ و ۲ این فرمان اقدام‌هایی برای سازماندهی یک جنبش جدایی طلب در آذربایجان و دیگر ایالات شمالی ایران انجام گیرد. این اقدام‌ها در ابتدا برای به وجود آوردن حکومت‌های خودمختار با اختیارهای زیاد در آذربایجان ایران انجام و تعیین شد که مشابه آن در استان‌های گیلان، گرگان، مازندران و خراسان صورت گیرد.

فرمان سوم، هشت روز پس از صدور فرمان دوم در ۲۳ تیر ۱۳۲۴ از سوی اتحاد شوروی صادر شد و دستورالعمل‌های محرمانه‌ای در مورد اقدام‌هایی که باید برای اجرای مأموریت ویژه در سراسر آذربایجان و ایالات شمالی ایران، انجام شود، اعلام شد. در بند اول این فرمان از سوی استالین به باقراف دستور داده شد تا وسایل سفر پیشه‌وری و کامبخش به باکو برای گفت‌وگو به سرعت سازماندهی شود. همچنین در نظر گرفته شد تا پس از استقرار کمیته‌های مؤسس فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز، تأسیس کمیته‌های محلی فرقه در شهرهای اردبیل، رضائیه، خوی، میانه، زنجان، مراغه و مرند در اولویت نخست باشد. بنابر بند ۵ این فرمان، قرار شد تا با عنوان «صدای آذربایجان» یک نمایندگی مطبوعاتی در کمیته مؤسسان فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز تأسیس شود. همان‌گونه که ملاحظه شد، بند اول فرمان سوم، تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان است. این بند ثابت می‌کند که فرقه دموکرات آذربایجان به دستور مستقیم مقام‌های بالای اتحاد شوروی ایجاد شده و قبل از تأسیس، مقدمات لازم از سوی اتحاد شوروی فراهم شده است (بیات، ۱۳۸۳: ۱۵۶-۱۳۹).

اصلاحات در مرام‌نامه فرقه دموکرات و ارتباط آن با فرمان‌های استالین

بررسی مرام‌نامه فرقه دموکرات آذربایجان و تطبیق آن با مفاد فرمان‌های سه‌گانه استالین نشان می‌دهد که نه تنها شکل‌گیری فرقه بلکه مفاد مرام‌نامه و سایر فعالیت‌های فرقه نیز با توجه به دستورهای استالین صورت گرفته است. در این جا، برخی از مفاد مرام‌نامه فرقه دموکرات را با فرمان‌های سه‌گانه استالین تطبیق می‌دهیم:

۱. ماده ۵ بند الف فرمان دوم: واگذاری زمین از اراضی خالصه و املاک بزرگ اربابی و دهقانان و اعطای اعتبارهای درازمدت مالی به دهقانان؛ ماده ۷ مرام‌نامه فرقه: فرقه تلاش

خواهد کرد تا در تأمین احتیاجات دهقانان، قدم‌های اساسی بردارد، به‌ویژه تعیین حدود معین و معلوم بین مالک و رعیت از وظایف فوری فرقه خواهد بود؛

۲. ماده ۵ بند ب فرمان دوم: از میان‌بردن بیکاری از راه توسعه کار در مؤسسات و همچنین برنامه‌های ساخت طرح‌های فواید عامه؛ ماده ۴ و ۵ و ۸ مرام‌نامه فرقه: از مهم‌ترین وظایف فرقه دموکرات، مبارزه با بیکاری است و نیز تدابیری مانند تأسیس کارخانه، توسعه تجارت و ساخت راه‌آهن صورت می‌پذیرد؛

۳. ماده ۵ بند پ فرمان دوم: بهبود مؤسسات رفاه عمومی در شهرها و آبرسانی عمومی؛ ماده ۶ مرام‌نامه فرقه: یکی از هدف‌های اصلی فرقه دموکرات توجه به عمران و آبادانی شهرهای آذربایجان است. به‌ویژه یکی از مسائل خیلی فوری فرقه دموکرات، تأمین آب مشروب شهر تبریز است؛

۴. ماده ۵ بند ت فرمان دوم: اختصاص دست‌کم ۵۰ درصد از مالیات‌های دولتی به نیازهای محلی؛ ماده ۱۱ مرام‌نامه فرقه: فرقه دموکرات آذربایجان تلاش خواهد کرد تا نصف بیشتر درآمدهای وصولی آذربایجان برای رفع نیازمندی‌های خود آذربایجان مصرف شود؛

۵. ماده ۵ بند ج فرمان دوم: افتتاح مدارس و ترویج زبان ترکی؛ ماده ۳ مرام‌نامه فرقه: در مدارس ابتدایی آذربایجان تا کلاس سوم همه درس‌ها تنها به زبان ترکی تدریس خواهد شد. تأسیس دارالفنون و مدرسه در شهرهای دیگر همچنین یکی از هدف‌های اصلی فرقه دموکرات آذربایجان است.

فرمان‌های استالین و اصلاحات ارضی و اقتصادی

در ۳۱ دسامبر ۱۹۴۵ باقراف از پیشه‌وری خواسته بود که مسئله تصویب قانون اساسی را حل کند. در همین زمینه، در ۱۶ ژانویه ۱۹۴۶ فرقه، اصول قانون اساسی حکومت خود را بیان می‌کند. شایان توجه اینکه تصمیم اجرای اصلاحات ارضی، مانند سایر اقدام‌های فرقه به هیچ روی از سوی سران فرقه گرفته نشده است، بلکه این موضوع نیز از سوی مقام‌های اتحاد شوروی طراحی شده بود. در بند الف ماده ۵ تصویب‌نامه ۶ ژوئیه ۱۹۴۵ (فرمان دوم استالین) تقسیم اراضی دولتی و مالکان بزرگ بین روستائیان و پرداخت وام کم‌بهره درازمدت به آنان ضروری دانسته شده بود و سران فرقه دموکرات بر این اساس به روستائیان زمین واگذار کردند.

همان‌گونه که پیشتر گفته شد، حکومت فرقه برای مقابله با کمبود ارزاق و مواد خوراکی در منطقه آذربایجان به ساخت مغازه‌های دولتی برای کنترل بازار اقدام کرد که این‌هم برخلاف تصور طرفداران فرقه، ساخته و پرداخته ذهن سران فرقه نبود؛ بلکه به دستور روس‌ها صورت پذیرفت. در ۴ نوامبر ۱۹۴۵ (۱۳ آبان ۱۳۲۴) مولوتف صدر شورای کمیسارهای خلقی اتحاد

شوروی، قراری با عنوان «توسعه مناسبات اقتصادی با آذربایجان ایران» صادر کرد. بر اساس این قرار، می‌بایست در اسرع وقت ۱/۵۰۰/۰۰۰ هزار متر چیت، ۱/۵۰۰ تن قند، ۴/۸۸۰ تن محصولات نفتی، ۲۰۰ تن نخ، ۲۰۰ تن کاغذ به مقصد تبریز ارسال شود. در مقابل به مؤسسات مختلف اقتصادی اتحاد شوروی دستور داده شد که از مناطق مختلف آذربایجان ۴/۵۰۰ رأس گاو، ۵۰۰۰۰ رأس گوسفند، ۲/۵۰۰ تن کشمش، ۱۵۰۰ تن برگ زردآلو، ۵۰۰ تن بادام و هزار تن پشم به اتحاد شوروی ارسال کنند (حسنلی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). در این مورد جهانشاه‌لو می‌گوید: «هزاران رأس گوسفند و گاو در زمان قحطی خود مردم آذربایجان، به وسیله غلام یحیی و افرادی از راه زنجان به سمت مرز برده شد و به روس‌ها تحویل دادند. در واقع روس‌ها کمبود گوشت خود را در جنگ جهانی دوم از ایران تأمین کردند» (پیمانی، ۱۳۶۰: ۲۵۶).

اقدام‌های فرهنگی و فرمان‌های استالین

بر اساس بند ج ماده ۵ فرمان دوم استالین، حکومت فرقه موظف به تأسیس مدرسه و دانشگاه در منطقه آذربایجان برای جلب حمایت توده مردم بود. در همین راستا، فرقه به تأسیس مدرسه و دانشگاه در مناطق آذربایجان اقدام کرد و چون قرار بود که مدرسه‌ها به زبان ترکی تأسیس شود، حکومت فرقه کتاب‌های درسی جدید تألیف کرد. از آنجا که تمام فعالیت‌های فرقه زیر نظارت مستقیم روس‌ها صورت می‌گرفت، تأسیس مدرسه و دانشگاه و تألیف کتاب‌ها هم از این قاعده مستثنا نبود. به عقیده علی دهقان که در آن زمان رئیس آموزش و پرورش ارومیه بود، بیشتر کارهای تدوین کتاب‌های آموزشی و مطالب آن با نظارت و رأی نماینده خانه فرهنگ اتحاد شوروی (وکس) بود و نظر آن‌ها مقدم بر دیگران بود (پورنظمی سیسی، ۱۳۸۲: ۱۸۹).

در زمینه دانشگاه و تأسیس آن نیز فرایند مشابهی صورت می‌پذیرفت. بعد از تأسیس دانشگاه، جهانشاه‌لو به عنوان رئیس دانشگاه و دبئیان به سمت معاون وی برگزیده شدند. آن‌ها با موافقت آندره ویشینسکی، معاون کمیسرهای امور خارجه اتحاد شوروی برای آشنایی با تجربه‌های دانشگاه‌های آذربایجان شوروی به باکو دعوت شدند. همچنین برای برآوردن تقاضای حکومت فرقه درباره فرستادن تعدادی استاد دانشگاه به تبریز، علی‌اف، وزیر امور خارجه آذربایجان شوروی به وزارت خارجه اتحاد شوروی مراجعه کرد. آندره ویشینسکی، در تلگرام رمز شماره ۱۴۹-۱۵۰ اجازه فرستادن استادان دانشگاه‌های آذربایجان شوروی به تبریز را صادر کرد. حتی انتخاب کتاب‌های درسی باید زیر نظر این استادان انجام می‌گرفت (حسنلی، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

تأکید و اسرار به استفاده از زبان ترکی یکی دیگر از رویکردهای فرهنگی فرقه دموکرات بود که در انتشار روزنامه به این زبان نمایان است. این حد توجه به استفاده از زبان ترکی بین

رهبران فرقه دموکرات از کجا نشأت گرفته است؟ پاسخ این پرسش را می‌توان در سیاست‌های طراحی شده از سوی اتحاد شوروی یافت. در ماده ۹ فرمان دوم استالین دستور تدارک و انتشار نشریه‌ها و روزنامه‌های مصور در باکو به زبان آذری و توزیع آن در بین مردم منطقه آذربایجان ایران داده شده بود. همچنین بند ج از فرمان سوم نیز مربوط به سازماندهی اقدام‌های تبلیغاتی به وسیله مطبوعات و فراهم آوردن شرایطی برای تأسیس چاپخانه در آذربایجان ایران بوده است. تأکید بر ترویج زبان ترکی آذری در بین مردم آذربایجان در حقیقت از زمان ورود ارتش سرخ به آذربایجان آغاز شده بود. بسیاری از افرادی که قبل از تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان به دستور استالین و باقراف به ایران فرستاده شده بودند مأمور انتشار روزنامه و نشریه به زبان آذری بودند تا با ترویج این زبان میان مردم، زمینه را برای اجرای سیاست‌های طراحی شده به وسیله شوروی فراهم کنند (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

ابراهیم نوروزاف افسر ارتش سرخ، یکی از افراد فرستاده شده به آذربایجان ایران بود که مأموریت نشر روزنامه به زبان ترکی آذری را در منطقه و توزیع آن بین مردم را بر عهده داشت و مسئول و سردبیر روزنامه در شهر اردبیل بود. در تبریز به کوشش میرزا ابراهیم‌اف و گروهی از نویسندگان و روزنامه‌نگاران، روزنامه ارگان ارتش سرخ (روزنامه وطن یولوندا) چاپ شد. این روزنامه با تیراژ زیاد همه شهرها و روستاهای آذربایجان را زیر پوشش قرار داد. روزنامه وطن یولوندا به پیشرفت زبان ترکی آذری و پیشبرد هدف‌های اتحاد شوروی کمک شایانی کرد» (ملازاده، ۱۳۷۶: ۱۴-۱۰).

تعیین نام و اعضای کابینه حکومت فرقه

افشای اسناد گوناگون پس از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ نشان می‌دهد که اتحاد شوروی علاوه بر به‌کارگرفتن مدیریت بر تمامی اقدام‌ها و فعالیت‌های فرقه دموکرات، حتی در مورد تعیین نام و اعضای کابینه و حتی تعیین شخص پیشه‌وری به سمت نخست‌وزیری نیز نقش داشته است. در مورد تعیین نام فرقه، جمیل حسنلی در کتاب خود آورده است: «پیشه‌وری برای انتخاب نام فرقه اهمیت بسیاری قائل بود. به عقیده او در نام‌گذاری فرقه باید هدف‌های ویژه‌ای در نظر گرفته شود. اما مدت‌ها قبل از تشکیل این حزب، نام آن در ششم ژوئن ۱۹۴۵ (۱۰ تیر ۱۳۲۴) در قرار کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تعیین شده بود» (حسنلی، ۱۳۸۳: ۶۱).

حتی افراد کابینه حکومت فرقه را نیز خود روس‌ها تعیین می‌کردند. برای نمونه، جهانشاه‌لو در خاطرات خود می‌نویسد: «سلام‌الله جاوید را سازمان امنیت اتحاد شوروی در باکو انتخاب و به پیشه‌وری معرفی کرد. جعفر کاویان را که تا قبل از تأسیس فرقه، در صنف نانوایان کارگر

بوده است را شوروی‌ها بعد از خوش خدمتی‌های وی به آن‌ها، به پیشه‌وری تحمیل کردند» (پیمانی، ۱۳۶۰: ۳۰۴).

تعیین آرم دولتی و مرام‌نامه حکومت فرقه

در مورد آرم دولتی حکومت فرقه نیز، پیشه‌وری یا اعضای کابینه وی اختیاری نداشتند. باقراف تصمیم گرفته بود که باید آرم دولتی آذربایجان را دو شمشیر افسانه‌ای (شمشیر مصری، نشانه مبارزه و قهرمانی) و در میان این دو شمشیر تصویر آتش (مظهر آذربایجان، سرزمین آتش) می‌توان تصور کرد. این تصویرها را برگ بو (برگ درخت غار) در بر می‌گیرد و در پایین، یراق قرمز به نشانه پیروزی نصب می‌شود (پورنظمی سیسی، ۱۳۸۲: ۱۴۵). پیشتر بیان شد که در ۱۲ مهر، به فاصله یک ماه پس از صدور بیانیه ۱۲ ماده‌ای و اعلام تشکیل فرقه، مرام‌نامه آن تصویب شد. سرهنگ نوروزاف، افسر سیاسی اتحاد شوروی مأمور انتقال چمدانی حاوی مواد مرام‌نامه فرقه از باکو به تبریز و تحویل آن به مسئولان فرقه دموکرات آذربایجان بود. او در این باره می‌گوید: «حدس می‌زدم مأموریت ما به احتمال زیاد در ارتباط با تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان ایران است؛ اما به درستی نمی‌دانستم دو نفر دیگر که همراه من هستند از این موضوع آگاه‌اند یا نه. حدس من درست بود؛ زیرا پس از ورود به تبریز و تسلیم چمدان به سلیم آتاکیشی‌اف، بلافاصله اولین کنگره فرقه دموکرات در تبریز تشکیل شد و اساس‌نامه فرقه انتشار یافت و در آنجا بود که مطمئن شدم، محتوای چمدان، متن اساس‌نامه فرقه بوده است که بلافاصله تکثیر و در شهر تبریز و سراسر آذربایجان پخش شد» (ملازاده، ۱۳۷۶: ۲۲-۲۱).

انتصاب پیشه‌وری به ریاست فرقه

براساس فرمان سوم استالین که در ماه ژوئیه ۱۹۴۵ و باهدف تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان و سازماندهی جنبش جدایی‌خواهانه صادر شد، پیشه‌وری به‌عنوان رئیس فرقه انتخاب شده بود. در ماده اول بند الف از فرمان سوم آمده: «وسایل سفر پیشه‌وری و کامبخش به باکو برای گفت‌وگو سریعاً سازماندهی شود. با توجه به نتایج این گفت‌وگوها، تأمین وسایل سفر صادق پادگان، صدر کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان، به باکو در نظر گرفته شود». بر همین اساس به‌دستور باقراف در ژوئیه ۱۹۴۵ (تیر و مرداد ۱۳۲۴) عبدالصمد کامبخش عضو کمیته مرکزی حزب توده و نماینده مجلس شورای ملی، صادق پادگان مسئول کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان، شبستری و میرجعفر پیشه‌وری مدیر روزنامه آژیر را مخفیانه به باکو آوردند (حسنلی، ۱۳۸۳: ۵۴). در مورد این انتصاب، باقراف در نامه به استالین نوشت: «میرجعفر پیشه‌وری که در محافل دموکراتیک صاحب نفوذ است و مدیریت روزنامه آژیر در تهران را

به‌عهدده دارد، برای رهبری فرقه دموکرات در نظر گرفته شد. پیشه‌وری در آذربایجان ایران به‌دنیا آمده، عضو پیشین حزب کمونیست ایران است، در آذربایجان شوروی مسئولیت‌هایی در حزب و شوراها داشته است، در سال ۱۹۲۷ (۱۳۰۶-۱۳۰۵) از سوی کمیترین به ایران فرستاده شد. بر این اساس باقراف گفت‌وگو با پیشه‌وری را آغاز کرد. سرانجام پس از گفت‌وگوی زیاد، پیشه‌وری با اطمینان به باقراف و به اعتبار خدمت به ملت ایران با پیشنهاد آن‌ها موافقت کرد و به‌دنبال این توافق، پیشه‌وری در اولین کنگره فرقه دموکرات آذربایجان به صدر فرقه انتخاب شد و سپس مجلس ملی آذربایجان او را به نخست‌وزیری فرقه تعیین کرد.

نتیجه

در این نوشتار به‌دنبال پاسخ به این پرسش برآمدیم که با توجه به ادعاهای طرفداران فرقه دموکرات مبنی بر اصالت اصلاحات انجام شده در دوران حکومت یک ساله آن، ماهیت این اصلاحات با توجه به اسناد تازه انتشاریافته اتحاد شوروی چگونه ارزیابی می‌شود و اساساً این اصلاحات چه ارتباطی با سیاست خارجی اتحاد شوروی در ایران داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش این فرضیه ارائه شد که اسناد منتشرشده اتحاد شوروی، به‌ویژه فرمان‌های استالین نشان می‌دهد که اصلاحات مورد ادعای فرقه دموکرات آذربایجان مبنای داخلی نداشته است، بلکه در راستای هدف‌های سیاست خارجی اتحاد شوروی در ایران باهدف به‌دست آوردن مشروعیت داخلی برای فرقه صورت گرفته است. برای اثبات درستی این فرضیه، اصلاحات فرقه و چگونگی انجام آن‌ها و نیز تطبیق مرام‌نامه منتشرشده از سوی فرقه و اسناد محرمانه اتحاد شوروی را بررسی کردیم.

با نگاهی به تاریخ چند صد سال گذشته ایران در می‌یابیم که روسیه و پس از آن اتحاد شوروی همواره در زمان‌های مختلف رؤیای پیوند بخش‌هایی از خاک شمال ایران و دستیابی به منابع نفت و گاز این منطقه را در ذهن خود می‌پرورانده و در راستای رسیدن به این هدف‌ها از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. اتحاد شوروی پس از ورود به ایران و اشغال بخش‌هایی از شمال کشور در زمان جنگ جهانی دوم، به‌دنبال اجرای سیاست‌های خود برای رسیدن به هدف‌ها و منافع مورد نظر برآمد. انتشار روزنامه و مجله، تأسیس مدرسه، انجام فعالیت‌های فرهنگی دیگر مانند برگزاری کنسرت و نمایش فیلم و تأسیس انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد شوروی، از فعالیت‌های اتحاد شوروی برای مهیاکردن زمینه برای ایجاد یک حکومت محلی در منطقه آذربایجان بود. پس از انتشار اسناد مربوط به فرمان‌های استالین و تطبیق آن با مرام‌نامه فرقه دموکرات آذربایجان به‌روشنی وجود رابطه بین اتحاد شوروی و برنامه‌های فرقه دموکرات و ماهیت حکومت آن‌ها مشخص شد.

منابع

الف) فارسی

۱. آذرننگ، عبدالحسین (۱۳۹۱)، ناگفته‌ها (خاطرات عنایت‌الله رضا)، تهران: نشر نامک.
۲. احمدی، حمید (۱۳۸۴)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران: نشر نی.
۳. اخگر، ایرج (۱۳۲۷)، مرگ هست و بازگشت نیست، تهران: چاپخانه مهر.
۴. بیات، کاوه (۱۳۸۳)، «استالین و فرمان تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان»، گفتگو، شماره ۴۰، صص ۱۵۶-۱۳۹.
۵. بیانی، خانابا (۱۳۷۵)، غائلة آذربایجان، تهران: انتشارات زریاب.
۶. پورنظمی سیسی، عبدالصمد (۱۳۸۲)، فرقه دموکرات آذربایجان یا حکومت یک‌ساله پیشه‌وری، ساری: نشر پژوهش‌های فرهنگی.
۷. پیمانی، نادر (۱۳۶۰)، ما و بیگانگان (خاطرات سیاسی دکتر نصرت‌الله جهان‌شاه‌لو افشار)، رشت: انتشارات سمرقند.
۸. حسنی، جمیل (۱۳۸۳)، فراز و فرود فرقه دموکرات، ترجمه منصور همای، تهران: نشر نی.
۹. روزنامه آذربایجان (۱۳۲۴)، «آذربایجان ملی حکومتین پروگرامی (برنامه سی)»، دوره ۲، شماره ۷۸، ص ۱.
۱۰. روزنامه آذربایجان (۱۳۲۵)، «اخبار»، دوره ۳، شماره ۲۳۵، ص ۷.
۱۱. صدری، منیژه و رحیم نیکبخت (۱۳۸۶)، پیدایش فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد و خاطرات منتشر نشده، تهران: مؤسسه تاریخ معاصر ایران.
۱۲. عمیدی نوری، عبدالحسن (۱۳۲۵)، فرقه دموکرات، تهران: انتشارات روزنامه داد.
۱۳. کولایی، الهه (۱۳۷۶)، استالینسم و حزب توده ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۴. گاهنامه ۵۰ سال شاهنشاهی پهلوی (۱۳۵۵/۲۵۳۵)، جلد ۱، تهران: کتابخانه پهلوی.
۱۵. مجتهدی، عبدالله (۱۳۸۱)، بحران آذربایجان: خاطرات آیت‌الله میرزا عبدالله مجتهدی، به کوشش رسول جعفریان، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۱۶. ملازاده، حمید (۱۳۷۶)، رازهای سر به مهر (ناگفته‌های وقایع آذربایجان)، تبریز: انتشارات پیمان.
۱۷. نیکبخت، رحیم (۱۳۸۱)، جنبش دانشجویی تبریز (به روایت اسناد و خاطرات)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری سوره مهر.

ب) انگلیسی

1. Abrahamian, Ervand (1970), "Communism and Communalism in Iran: Tudeh and Firqah I Dimocrat," **International Journal of Middle East Studies**, Vol. 1, No. 4, pp. 291-316.
2. Ahmadi, Hamid (2013), "Political Elites and the Question of Ethnicity and Democracy in Iran: A Critical View", **Iran and the Caucasus**, Vol. 5, No. 17, pp. 77-102.
3. Asgharzadeh, Alireza (2007), **Iran and the Challenge of Diversity: Islamic Fundamentalism, Aryanist Racism, and Democratic Struggles**, Palgrave Macmillan.
4. Atabaki, Touraj (1993), **Azerbaijan: Ethnicity and Democracy in Iran after the Second World War**, New York: St Martin press.
5. Nissman, David B. (1987), **The Soviet Union and Iranian Azerbaijan: the Use of Nationalism for Political Penetration**, Boulder: Westview.
6. Ostermann, Christian F. (2001), "New Evidence on the Iran Crisis 1945-46: From the Baku Archives", **The Cold War International History Project**, Bulletin No. 12/13, pp. 309-314.
7. Yegorova, Natalia I. (1996), "The "Iran Crisis" of 1945-46: A View from the Russian Archives", Working Paper No. 15, **The Cold War International History Project**, Washington D.C, Available at: <https://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/Working%20Paper%20%2315.pdf>, (Accessed on: 6/6/2017).